



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته ښه راغلاست !

نوښته : مولانا داکتر محمد سعيد « سعيد افغاني »

تاریخ نشر : 4 نوامبر 2014 م

خدا (ج) و قوانین آسمانی را چه قسم فکر میکنید؟

فکر کردن او صاف ممیزه انسان است ! بلی ؛ انسان فکر میکند که حقیقت انسان چه ؟ و از کجا به میان آمده ؟ هکذا انسان به آنچه حواس او مواجه میشود متوجه میگردد که از کجا و به چه نوع پیدا شده؟ و نیز انسان را رموز حیات ملتفت میسازد که باید کرد؟ و مستقبل او و کائنات چه خواهد بود؟

پس اگر ما بالای انسان تحمیل سازیم که این نوع افکار را بخود رخ ندهید تحمیل ناممکن و نامعقول بوده که منجر به اختناق عقل و فکر انسان گردیده، حریت و آزادی فکر انسانی را سلب می نماید.

بنا ؛ اگر می خواهید حریت و آزادی فکر انسان را سلب سازید ، باید شما هم فکر نداشته باشید که فکر دیگران را سلب سازید. و اگر شما فکر میکنید که فکر دیگران را سلب سازید ، پس ؛ چرا شما فکر نمی کنید که دیگران هم حق فکر کردن را دارند .

و اگر میگویید که دیگران باید به تفکر شما بچرخند ، پس آنها هم حق دارند که فکر کنند چرا و نظر به کدام دلیل به فکر شما بچرخند؟

واگر جبراً و قهراً دیگران را از فکر کردن ممانعت می نمائید، باید اعتراف کنید که شما آزادی افکار را اختناق کرده اید و از غلامی به آزادی تعبیر میکنید.

من نمی گویم افکار انسان را اصلاح نسازید ، بلکه میگویم بنام اصلاح اختناق افکار را بمیان نه آرید! درست است انسان باید حیات خود را درست سازد و از کار خود بهره بردارد . مگر معقول نیست که بگوئیم این مرام از اختناق افکار به میان آمده میتواند.

درست است که از حیوانات کار میگیرید ، مگر چرا انسان را به مثل حیوانات استعمال میکنید؟ قبول میکنم هر کسی برای کاری آفریده شده و افکار باید نظر به اختلاف کارها به یک سان نباشد ، مگر نظر به کدام دلیل گفته میتوانیم که فکر کردن در مبدا کل ودر فلسفه حیات انسانرا عاطل می سازد؟

آیا شما نظر به دلایل عقلی می توانید به اثبات رسانید که این همه کائنات را تصادف به میان آورده.

نه خیر؛ بلکه تحلیل و تدقیق به اثبات میرساند که تصادف هیچ واقعیت ندارد. و همه آنچه به تصادف تعبیر میکنیم مربوط به علل و اسباب غامض است.

و نیز امکان ندارد که خود مواد کائنات خود را به میان آورده باشد. زیرا خود تا مادامیکه از همه عیوب و نواقص منزّه نباشد و دارای تمام صفات کمالیه نبوده خود را به میان آورده نمی تواند. بلکه ضرور باید بگوییم که یکی از مبادی مبدا آخری است که از همه عیوب و نواقص منزّه و دارای تمام صفات برجسته بوده و به اثر آن جهان و جهانیان میان آورده و نظر به حکمت خویش انسانرا در حوزه اختیار مختار آفریده که به وسایل دست داشته خویش موافق به قوانین اعتدالی کار و عمل نماید.

و اگر قبول کنید که یک مبدا آخری منزّه از همه عیوب و نواقص و موصوف به تمام صفات کمالیه موجود است و بعداً در نام آن که آنرا طبیعت ویا ماده ویا جز غیر منفک کنید فرقی نمی کند. زیرا اینگونه اختلاف را اختلاف لفظی میگویند که در واقع حقیقت اختلاف نبوده، بناء شما به هر نامیکه آنرا یاد میکنید یاد کنید اختیار دارید و ما همه اختیار داریم که بگوییم این مبدا را ما "خدا" می نامیم.

سوال: اگر خداوند(ج) باشد و آنها بیکه از خدا کور کورانه انکار دارند عواقب ایشان چه خواهد بود؟

جواب: در این صورت عواقب ناگوار بوده زیرا انکار مذکور انکار از چنین حقیقت و واقعیت است که منجر به انکار تمام قوانین آسمانی و اصلاحات مدنی انبیاء و رسل میگردد.

سوال: اگر خدا(ج) نباشد و آنها بیکه به خدا اقرار دارند، عواقب ایشان چه خواهد بود؟

جواب: در این صورت هم برای آنانیکه به خدا اقرار دارند عواقب نیک بوده؛ زیرا آنها خود را قلباً اصلاح می نمایند و به اثر ارتباط آنها به خدا(ج) و به مخلوق او خدمت نموده مصدر خیر میشوند.

آری باور کنید که علاوه به دلایل عقلی دیگری فکریه و عقیده به خدا انسانرا از ته قلب صالح میسازد. که جوامع برای این گونه عناصر صالح اشد ضرورت دارد.

نظر عبرت در کائنات (زمین، آسمان، کوه، حیوانات، نباتات، پرده ها و غیره) ما را حتماً به حقیقت مواجه میسازد که ضرور خدای بزرگ وجود دارد.

دقت کنید که این جهان و جهانیان چه دارد؟ فکر کنید که بحر، بر، زمین، زمان، آسمان، آب، هوا، خاک و آتش برای چه آفریده شده و تاثیر آنها چیست؟

ملتفت شوید در بین بحر و زمین و آسمان چه بوده؟

دقیق شوید که آفتاب و مهتاب و سایر ستاره ها چه وظایفی دارند؟

آیا این شب و روز که قرنها منظم رد و بدل میشوند، کار آسمانی بوده؟

آیا تحولات بهار، تابستان، خزان و زمستان کاری عادی بوده؟

آیا این انواع حیوانات و نباتات و پرنده ها و معادن عجایب و غرایب محیرالعقولی ندارند؟

آیا در خود قوی و استعداد های مختلف احساس نمی کنیم؟

آیا رمز های حیات انسان را متوجه ساخته نمیتواند که قدرت بزرگ، قوت کل، منظم آخری، عالم حقیقی و مبدا واحد وجود دارد؟

بلی! واقعاً اگر انسان در ماحول خود فکر دقیق میکند، میداند که این نظام معقول بدون خدا بمیان نه آمده و اگر انسان تنها در خود دقیق فکر میکند می یابد که قدرت بزرگ در ساختمان انسان شهکاری نموده است.

پس ؛ بیایید عقیده داشته باشید که خدا هست و خدا بواسطه انبیاء و رسل نظر به ایجابات عصر چنان قوانین آسمانی را به بشر رهنمایی کرده که اگر بشر آنرا تحلیل درست کند ،

میداند که برای خیر و سعادت بشر خدمات فراموش ناشدنی را انجام داده و مدنیت های امروزه دانسته و یا نا دانسته مرهون احسان تعلیمات آسمانی است .

واقعا انبیاء و رسل در همه اعصار عناصر صالح جوامع بود که به واسطه رهنمایی آسمانی توانسته اند که بشر را از تباهی نجات داده و به خیر و سعادت دعوت کنند .
بیایید تاریخ صحیح انبیاء و رسل را مطالعه کنید که آنها چه می خواستند؟

بیانید انصافاً و استدلالاً بگوئید که در تعلیمات اساسی اسلام چه نقص موجود بود؟ مگر به شرطی که اسلام را از خرافات تجزیه نمایند حکم نا معقولیت خرافات را بالای تعلیمات اساسی اسلام صادر نکنید.

قراری که ثابت است تعلیمات اساسی اسلام گاهی هم اعتدال را از دست نداده ، بلکه میخواهد بشر به اثر صلاح و تقوی عامل و کارگر بهتر بوده و از منابع ثروتی عاقلانه و عادلانه استفاده لازم نمایند.

آری تعلیمات اساسی اسلام استفاده های سوء و غیر عادلانه را تحت ممانعت شدید قرار داده ، می خواهد انسانها در بین خویش روابط انسانی را (اخوت ، محبت و همکاری) داشته و از راه تعاون و تساند مشکلات خود را حل سازند .

تعلیمات اساسی اسلام به انسان و انسانیت نهایت اهمیت نموده ، از اینجا است که انسان را اشرف المخلوقات معرفی میکند . میخواهد انسانها با یک دیگر مناسبات شرافت مندانه داشته باشند.

پس چرا اعتراف نکنیم که خدا هست و قوانین آسمانی ذریعه انبیاء و رسل به بشر بهترین خدمت کرده و دین اسلام راه اعتدال را در همه رشته های حیات خواهان بوده است .

داکتر سعید افغانی

۱۳۵۰ هجری شمسی - کابل - خیرخانه مینه

www.said-afghani.org - بارگشت به صفحه اصلی